



خالد حاج محمدی

برادران مسلح در محلات و کوچه پس‌کوچه‌های شهرها گردانند تا بتوانند "رای" جمع کنند و همه جا با تمسخر مردم روبرو شدند. در سنجش شاهد اعتراضات مردم به این نمایش مسخره و متعفن اسلامی بودیم. قبل از "انتخابات" در شهر سنج و مهاباد شاهد آتش زدن

صفحه ۲

"حقیقت گوئی" به سبک خالد توکلی

شکست خود را اعلام کند. اما جا دارد از آقای توکلی پرسید که، این "آمار" و ارقام را برای چه کسی می‌گوید؟ مردم شهرهای کردستان خود شاهد بودند که با تمام تبلیغات و تهدیدات رژیم و با تمام تلاشهای روشنفکران ناسیونالیست و دینی مدافع خاتمی چون آقای توکلی، اماکن تعیین شده برای رای دادن، سوت و کور بودند. در مهاباد صندوقداران "موئن" به مردم می‌گویند، "بیایید ورقه‌های رای را بگیرید و اصلاً لازم نیست به کاندیدی هم رای بدهید". مسئولین رژیم صندوقهای سیار را همراه

اما سخن این است که منبع آمارها، خود رژیم است و آقای توکلی هم این ارقام را مبنا گرفته و تحویل مردم میدهد. آنچه مسلم است نتیجه مضحکه انتخاباتی رژیم از قبل معلوم بود. خاتمی نماینده هر دو جناح و "تنها گزینه نظام" بود. قرار نبود چیزی دیگر غیر از آنچه اعلام شد از صندوقها و توسط جمهوری اسلامی اعلام شود. هرچند غیر از آمارهای دروغین که رژیم اعلام کرد و پادوهایش تکرار میکنند، اعلام رسمی شکست رژیم در مقابل مردم بود و کسی از رژیم انتظار نداشت که

روز شنبه ۱۹ خرداد (۹ ژوئن) بخش کردی رادیو سراسری سوئد مصاحبه‌ای با خالد توکلی از شهر سقز در مورد نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در شهرهای کردستان داشت. خالد توکلی طوطی‌وار آمارهای رژیم را تکرار کرد و گفت: "در سقز ۶۰ هزار نفر، در بوکان ۵۸ هزار نفر، در مریوان ۶۷ هزار نفر و در بانه ۳۱ هزار نفر رای داده‌اند". طبق گفته‌های خالد توکلی در شهرهای کردستان ۵۰ درصد واجدین شرایط در انتخابات شرکت کرده‌اند که از این میان ۹۱ درصد آنها به خاتمی رای داده‌اند.

سرکوب خونین ۳۰ خرداد ۶۰ به معیار شناسائی

رژیم شاه برای پاسخگویی به مردم بدل شده است.

هیچ حکومتی، هیچ جنبش ارتجاعی نمیتواند و نتوانسته از زیر بار مسئولیت به خون کشیدن مردم، خفه کردن جنبشهای توده‌ای مردم جان سالم بدر ببرد. تاریخ دنیا تاریخ برای این جنایات و تأیید آن نیست، تاریخ بازگویی این قساوتها در جهت محکومیت برپا دارندگانسان است، به ویتنام، به برپایی کوره‌های آدم سوزی هیتلر، به هر کجای تاریخ سیاه جانیانی چون رژیم ایران نگاه میکنید، همزمان و به موازات آن سند محکومیت این فجایع

صفحه ۳

سران این حکومت بدل شده است!

که جرمشان آزاداندیشی و آرزویشان تداوم انقلاب برای برپایی یک دنیای شایسته انسان بود. این جنبش عظیمی که در ایران برپا شده بود چه در مقابل توپ و تانک و مسلسل شاه و چه در مقابل توپ و تانک و بسیجی و چاقو و قهقهه‌های این رژیم تاریخ خونباری را پشت سر خود گذاشته است. پشت سر گذشته اما فراموش نشده است، پشت سر گذاشته اما به معیاری اصلی در مقابل این حکومت فعلی و یا حتی بازماندگان

۲۰ سال پیش در ۳۰ خرداد ۶۰ نسل جوان و انقلابی ایران، کمونیستها، زنان، کارگران و آزادیخواهان مورد هجومی وحشیانه و بی سابقه و تاریخی قرار گرفتند. گروه و دسته دسته بازداشت شدند، در محاکمات صحرایی چند دقیقه‌ای حکم مفسدنی الارض گرفتند، دختران جوان قبل از اعدام مورد تجاوز قرار گرفتند و تپه‌های اوین شاهد به خون غلظیدن هزاران هزار زن آزادیخواه، برهبران شوراهای کارگری، فعالین دانشجویی و مبارزانی بود

مهرنوش موسوی
Mehrousch@aol.com

۲۰ سال پیش در چنین روزهایی تدارک سرکوبی خونین که از مدت‌ها قبل مقدماتش فراهم شده بود، سرکوبی سیستماتیک، کودتایی علیه آزادیخواهی و حمله‌ای وحشیانه در دستور قرار گرفت.

ایسکرا می‌پرسد

صفحه ۲

گویا و افشا کننده

صفحه ۳

"مشاعره" دو جناح

صفحه ۴

تظاهرات

اعتراضی کارگران

صفحه ۴

طول موج

رادیو انترناسیونال
هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۲۵ متر برابر با

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

و

۱۱۹۰۵ (فرکانس جدید)

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گиро: ۲-۱۶۷۸۴۷۱

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ایسکرا می پرسد

سوال از رحمان حسین زاده در باره انتخابات و پیامد های آن



رحمان حسین زاده

مردم و بویژه زنان و جوانان در این انتخابات شرکت نکردند. نه بزرگ مردم باردیگر به رژیم اسلامی اعلام شد. خلاصه کنم موضوع نمایش "انتخابات" فرصتی به مردم داد، که در یک پریود معین دیگر رژیم اسلامی را به مصاف بطلبند. حرکت اعتراضی سازمان دهند، رژیم اسلامی و جناحهایش را افشا کنند. "انتخابات" را تحریم کنند و نه بزرگ خود را اعلام کنند. در بطن یک فضای سیاسی پر جنب و جوش صف بندیها شفافتر شوند، صف رادیکال بیشتر همدیگر را بیابند و درجه بیشتری از اتحاد و انسجام در صفوف آن بوجود آید. کمونیسم کارگری موقعیت خود را محکمتر نماید. بعد از رویدادهای این مدت به وضوح تناسب قوای سیاسی و مبارزاتی مساعدتری به نفع مبارزات آزادیخواهانه مردم حاصل شده است. این وضعیت، خاص کردستان نبود، فاکتورهای اصلی اوضاع در سراسر ایران بویژه در تهران و شهرهای بزرگ کمابیش چنین بود. وضعیت جدید را باید دریافت.

پروژه در عین حال پروژه خود آگاه شدن شفافتر توده مردم و صف رادیکال جامعه نسبت به روندها و سیر تحولات سیاسی بود. روز انتخابات همانطور که پیش بینی میکردیم، محلهای رای گیری خلوت بود، شرکت نکردن در رای گیری وسیع و گسترده بود. در کردستان برای رژیم مهم برپایی "دکوراسیون" و ظواهر انتخابات و با زور نیروهای سرکوبگر تامین امنیت صندوقهایش بود. همچنانکه در مواردی مامورین و مهره های خودشان هم بروز دادند، مهم نبود به کسی رای داده شود و حتی اسم کسی نوشته شود. مهم این بود که بگویند "انتخاباتشان" را برگزار کرده اند. همین را هم به سلامت و کاملی به پایان رساندند. در بعداز ظهر ۱۸ خرداد در شهر سنج تظاهرات به وقوع پیوست. در بعضی مکانها مجبور شدند از ساعت ۳ بعداز ظهر صندوقها را جمع کنند. وضعیت به نحوی بود که آمارهای رسمی خودشان هم در همه شهرها شرکت کمتر از پنجاه درصد واجدین شرایط را نشان میدهد. در صورتیکه واضح است که این آمار دروغ است. طبق اخبار مستقیما دریافت شده ما اکثریت قاطع

ایسکرا: اطلاعاتی کمیته کردستان و اخبار رسیده، تصویری از جنب و جوش اعتراضی روزهای قبل از "انتخابات" و تحریم وسیع و گسترده مضحکه "انتخاباتی" را در شهرهای کردستان نشان میدهد. ارزیابی شما چیست؟

رحمان حسین زاده: از قبل معلوم بود که مردم "مضحکه انتخاباتی" رژیم اسلامی را به عنوان عرصه دیگری از کشمکش با جمهوری اسلامی مینگرند. برای مردم کردستان، کارگران و زنان و جوانان آزاده و رادیکال به دنبال ابراز قدرت اعتراضی در ۲۲ بهمن و ۸ مارس و چهارشنبه سوری و نوروز و سیزده بدر و اول ماه مه، این نمایش و پروژه تدارک آن فرصتی برای ادامه اعتراض و ابراز قدرت مبارزاتی و گام بزرگ دیگری در مسیر کوتاه کردن عمر رژیم محسوب میشد. جمهوری اسلامی هم این را میدانست

و درمانده تر است. هیچکدام از جناحهای رژیم راهحلی برای بحران عظیمی که سراپای این حکومت را فراگرفته است، ندارند. دوره آینده، دوره بمیدان آمدن نیروی وسیع مردم آزادیخواه، دوره به گور سپردن حکومتی اسلامی است. این رژیم باید برود، این حکم مردم است. زمان زیادی باقی نمانده و بهتر است خالد توکلی ها دست از پادویی این رژیم جنایتکار بردارند و از این بیشتر شریک جرم آنان نشوند.

۲۴ خرداد ۸۰

۱۴ ژوئن ۲۰۰۱

و روز ندارند. بمیدان آمدن مردم شبهه ای برای کسی باقی نگذاشته است و خود سران رژیم به هزار زبان این را میگویند. اما آقایان به زندگی در لجنزار حکومت اسلامی عادت کرده اند و با این زنده اند. جناب توکلی باید فهمیده باشند که دوم خرداد را هم مردم دیدند و این جبهه امروز بیش از هر زمان دیگر بی آبرو است، دوم خرداد مرد و خاتمی هم امروز دست در دست ولی فقیه در فکر نجات حکومت اسلامی است. ظاهرا آقای توکلی چرتشان پاره نشده است و هنوز به امید خاتمی و نجات اسلام هستند. واقعیت این است که امروز جمهوری اسلامی از هر زمان ضعیفتر

روشنفکران اسلام زده پیشیزی ارزش ندارد؟ جناب توکلی میدانند دروغ تحویل مردم میدهند، میدانند مردم از کلیت جمهوری اسلامی و هر نوع حکومت مذهبی بیزارند. میدانند که نیروی سومی به میدان آمده که به چیزی جز به گور سپردن جمهوری اسلامی قانع نیست. میدانند که از ترس این نیروی سوم است که جناب غلامحسین بلندیان معاون سیاسی امنیتی وزارت کشور اعلام میکنند که جدا از نیروهای مسلح، ستاد امنیتی را که ۱۳۰ هزار نفر است برای به سرانجام رساندن این مضحکه سازمان داده اند و از ترس اعتراض مردم شب

جلسه مصطفی تاجزاده از جناح خاتمی در سنج به هم خورد و ایشان هم به سرنوشت بقیه دوستان اسلامی خود مبتلا گشت. آیا از نظر جناب توکلی اینها همگی شاخص نیست تا فهمید این مضحکه اسلامی بطور همه جانبه از طرف مردم آزاده تحریم شد؟ آیا مردمی که با چشمان باز خود و در روز روشن شاهد اتفاقات مذکور و سوت و کوری اماکن "رای گیری" بودند، منتظرند نتایج آمارهای بشدت ساخته شده حاکمان ۲۰ سال جنایت در این مملکت را، از زبان امثال خالد توکلی بشنوند؟ آیا آقای توکلی نمیدانند که، مردم میدانند حقیقت نزد

"حقیقت گوئی"

دخمهای تبلیغاتی هردو جناح اسلام، توسط جوانان و مردم بودیم. مردم سنج جلسه سخنرانی آقای جاسبی از جناح راست را در مسجد "ملاویسی" تحریم کرده و ایشان را مجبور کردند بدون سخنرانی آنجا را ترک کنند. در دانشگاه آزاد سنج هم جناب جاسبی در میان اعتراض و شعارهای دانشجویان علیه جمهوری اسلامی شکست خورد و نتوانست "فرمایشی" ایراد کند. باز در سنج جلسه سخنرانی فاطمه حقیقتجو و رزاقی از حزب مشارکت تحریم و سخنرانی صورت نگرفت.

گویا و افشا کننده!

آنچه میخوانید ترجمه پیام تبریک عبدالله مهدی به جلال طالبانی به مناسبت ۲۶مین سالگرد تاسیس اتحادیه میهنی است (متن اصلی کردی هم در ادامه درج خواهد شد). متن و لحن پیام به اندازه کافی گویا و روشن، میزان سرسپردگی و هم خطی سیاسی این باند را با جریان ارتجاعی اتحادیه میهنی و طالبانی نشان میدهد. علاوه بر آن پیداست در شرایط سیاسی کنونی، عرض ادب عشیره ای - ناسیونالیستی این باند به آستانه "حکومت" طالبانی در سلیمانیه در خدمت مقاصد خاصی است که این باند فالانژ و قوم پرست در لجن پراکنی های اخیرشان علیه حزب کمونیست کارگری و

کومهله آشکارا و بی پرده روی کاغذ آوردند. این متن را بخوانید و این دارودسته را هرچه بیشتر افشا و رسوا کنید:

دبیرکل محترم اتحادیه میهنی کردستان،
برادر بزرگ و محبوبان مام جلال،
دفتر سیاسی محترم اتحادیه میهنی کردستان،
با گرمترین سلام و احترام به مناسبت یاد ۲۶مین سالگرد تاسیس اتحادیه میهنی کردستان، از طرف خودم و همه کمیته مرکزی سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، به شما و همه کادرها و اعضا و همه صفوف اتحادیه میهنی کردستان

گرمترین تبریک میگویم. آرزو میکنیم که در پیشبرد وظایف و مسئولیتهای مهمتان مانند همیشه سربلند و موفق باشید. از این فرصت هم استفاده میکنیم و یک بار دیگر بر اهمیت و ارزشمندی مناسبات مبارزاتی دیرین مابین کومهله زحمتکشان و اتحادیه میهنی کردستان، که در روزهای سخت و دشوار مبارزه بنیان گذاری شده و در طول پیش از ۲۰ سال در تجارب گوناگون مستحکم تر شده است تاکید مجدد بگذاریم. یک بار دیگر به شما تبریک میگوئیم و برایتان موفقیت های بیشتر آرزو میکنیم. از طرف کمیته مرکزی سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران،
برادر خودتان
عبدالله مهدی
۲۰۰۱-۶-۱

بروسکه‌ی بهریز عهبدولای موهته‌دی
به‌ریز سکرتری گشتیی
به‌کیتی نیشتمانی
کوردستان،
برای گه‌وره و خوشه‌یوستان مام جه‌لال
به‌ریز مه‌کته‌بی سیاسیی
به‌کیتی نیشتمانی کوردستان،
له‌گهل گهرمترین سلاو و ریزماندا
به بونه‌ی یادی ۲۶ ساله‌ی دامه‌رزاندنی به‌کیتی نیشتمانی کوردستان، له لایین خوم و سه‌رجه‌م کومیت‌ه‌ی ناوه‌ندی کومه‌له‌ی شورش‌گیریی
زه‌حه‌متکیشانی کوردستانی
ئیرانه‌وه، گهرمترین پیروزبایی
له ئیوه و له همه‌وو کادر و ئه‌ندامان و سه‌رجه‌م ریزه‌کانی
به‌کیتی نیشتمانی کوردستان ده‌که‌م.
ئاواته‌خوازین که له به‌ریه‌بردنی
ئه‌هرک و مه‌سه‌سولیه‌یه‌ته
گه‌وره‌کانتاندا وه‌کو همه‌میشه
سه‌ریه‌رز و سه‌ره‌کوتوو بن.

لهم فرسته‌ش که‌لک وه‌رده‌گرین و جاریکی تر له سه‌ر ئه‌مه‌یه‌ت و به‌نرخ‌بوونی په‌یوه‌ندی خه‌بات‌کارانه‌ی دیرینی نیوان کومه‌له‌ی زه‌حه‌متکیشان و به‌کیتی نیشتمانی کوردستان، که له روزانی سه‌خت و دژواری تیکوشاندا دامه‌رزاو و به‌دیریایی زیاتر له بیست سال له تاقیکردنوه جوراوجوره‌کاندا پتوه‌تر بووه، ته‌شکید ده‌کینه‌وه.
جاریکی تریش پیروزبایستان لیده‌که‌مین و ئاواتی سه‌ره‌کوتنی زورت‌رتان بو ده‌خوازین.
له لایین کومیت‌ه‌ی ناوه‌ندی کومه‌له‌ی شورش‌گیریی
زه‌حه‌متکیشانی کوردستانی ئیرانه‌وه.
برای خوتان
عه‌بدولای موهته‌دی
۲۰۰۱-۶-۱
("کوردستانی نوی" ارگان رسمی اتحادیه میهنی، شماره ۲۴۷۰، ۴ ژوئن ۲۰۰۱ - ۱۴ خرداد ۱۳۸۰)

۳۰ خرداد ۶۰

را شاهدهید. کسی از هیتلر و یا موسولینی و فرماندهان نظامی امریکایی مجسمه ساخت، این قهرمانان مقابله با فاشیسم هستند که نامشان هنوز هم نام مدارس و خیابانهای آلمان و خاطرات مقاومتشان کتاب درسی نوجوانان در مدارس است. حکومت ایران از بالا تا پایین باید پاسخگوی ۳۰ خرداد ۶۰، پاسخگوی ۱۵۰ هزار اعدام، هزاران هزار زندانی سیاسی، پاسخگوی به خون کشیدن جنبش حق طلبانه مردم باشد. این را فقط ما بستگان این عزیزان و همه مردم ایران نیست که میگوییم، خود این ها در مسابقه جناحی که در درون حکومت دارند، هرازگاه برای روکردن دست یکدیگر به سابقه

افراد و سران حکومت در برپایی این حمام خون اشاره میکنند. از خمینی تا رفسنجانی، از خامنه‌ای تا خاتمی، از موسوی اردبیلی دوم خردادی که دادستان وقت بود تا لاجوردی و شریعتمداری، از گنجی تا سید محمد موسوی خویینی ها، از محتشمی تا حجاریان همگی و هر کس به نوعی در این جنایت شریک و سهیم بوده و درست به همین خاطر درجه تنفر و خشم و نفرت مردم از خود را با درجه دوری و نزدیکی اش به این جنایات است که تحویل میگیرد. تلاش دوم خرداد برای روکردن حتی یک نفر که به نحوی از انحاء دستش به خون مردم آلوده نباشد، یک مهره‌ای که بتواند از تاریخ حیات خود در این رژیم دفاع کند و ادعای پاک بودن پرونده اش را به مردمی که چهارچشمی از همه

آنها روکردن گذشته خود را طلب میکنند، به جایی نرسیده است. ۳۰ خرداد ۶۰ سنوال سنگینی است در مقابل هر کسی که چه در ۲۰ سال پیش و چه امروز خود را صاحب این رژیم و در نتیجه صاحب تاریخ قتل و کشتار فرزندان مردم اعلام کرده است، قرار دارد. سکوت کسانی که هرروزه سرنوشت بچه پاسدارهای دوم خردادی را با آب و تاب در زندانهای خودشان دنبال میکنند، سکوت کسانی که میخواهند با حذف این خونین‌ترین دوره گرزچرخانی اسلامی در مقابل جنایت و فقر و بی حقوقی سیاستهایشان برای ادامه حیات رژیم اسلامی را ادامه دهند است، سکوتی است که در پس آن تاریخی مرگبار و جنایتکارانه نهفته است، نمیتوان نه با سکوت و نه با هیچ ترفند دیگری آن

را ازدیده پنهان و فراموش کرد. هردو جناحشان، سران هر دو جناحشان را مردم با اسم و رسم میشناسند، پرونده هایشان دست مردم است، چیزی ندارند به این مردم بگویند، سکوت روزنامه های دوم خردادیشان در مقابل جنایت فجیع ۳۰ خرداد ۶۰ تنها نشان از این واقعیت دارد که هر کلمه ایی و هر حرفی از این تاریخ رسوایی بیشتر تمام عاملین آن خواهد بود. ۳۰ خرداد ۶۰ تلاش برای سرکوب خونین مردم و نجات مناسبات استثمار، فقر و بی حقوقی، خفقان و زندان، شکنجه و اعدام بود، ۳۰ خرداد ۶۰ پلاتفرم نجات حکومت اسلام در مقابل مردمی بود که قرار نبود بعد از انقلاب، بعد از رفتن جلوی پادگانها و خلع سلاح آنها به اسلام و حکومت مرتجعین مذهبی رضایت

بدهند. دوم خرداد ۷۹ تلاشی مجدد در همین راستاست، بازهم قرار است جلو مردم را بگیرند. ۳۰ خرداد ۶۰ را نشان جناح راست میدهند تا ازدوم خرداد تاریخ بسازند. ۳۰ خرداد ۶۰ را نمیتوان با دوم خرداد به فراموشخانه تاریخ سپرد. کل این حکومت مسئول مستقیم این جنایت است، پیام جنبشی که در ۳۰ خرداد ۶۰ به خون کشیده شد، سرنگونی کل این رژیم و برپایی یک جامعه انسانی و آزاد است. جنبش ۳۰ خرداد ۶۰ در تک تک مبارزات زنان برای آزادی، کارگران علیه فقر و بی حقوقی، در جنبش سرنگونی طلب و برحق مردم زندگی کرده تداوم یافته است، دوم خرداد پاسخ دیگری به مقابله با موجودیت این جنبش بود. جنبش مردم از این ریاکاری هم عبور کرد!

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

چون پرده در افتد نه تو مانی، نه من در حاشیه "مشاعره" سران دو جناح

ایرج فرزاد

این بیت را جناب "حجت‌الاسلام" فلاحیان در پاسخ به مهاجرانی نوشته است. فلاحیان مرد مخوف و وزیر اسبق اطلاعات رژیم اسلامی و تحت تعقیب بین‌المللی است بخاطر سازماندهی ترورهای سیاسی در خارج کشور و از جمله جریان میکونوس. ایشان از کاندیدهای ریاست جمهوری نیز بودند. دولتهای غربی هرچه در توان داشتند بکار گرفتند تا بتوانند به هر طریق رژیم اسلامی را حفظ کنند، نمایش انتخابات را گامهای "جدی" رژیم اسلامی به سوی "دمکراسی" جار زدند و یکبار هم از میان خیل ژورنالیستهای نوکر، و صد البته با شرف کسی پیدا نشد که بنویسد آخر این چگونه دمکراسی ای است که یک مجرم تحت تعقیب و متهم به جنایت، در آن کاندید بالاترین مقام اجرائی مملکت است؟ واقعا میتوان هیچ حد و مرزی از ریاکاری و درجه دشمنی این جماعات را علیه حقوق و آزادیهای مردم تعیین کرد؟

اما به بیت فلاحیان برگردم، در جریان مضحکه انتخاباتی و سرشلوغی جناحهای رژیم، مهاجرانی تلاش کرد بدنامی فلاحیان را مستمسکی برای منزه کردن خود و جماعت دو خردادی از جنایات گذشته رژیم اسلامی تبدیل کند. فلاحیان در مقام پاسخ برآمد و معلوم شد که آقای مهاجرانی نیز خود از مقامات امنیتی و از دوستان نزدیک "شهید" سعید امامی، بوده است. فلاحیان از سعید امامی به دفاع برخاست و مهاجرانی هم ناچار پذیرفت که داشتن رابطه با سعید امامی از سوی او "عادی" بوده است. اینها پرونده همدیگر را خوب می‌شناسند، هر کدام مردم را به دیگری نشان دادند و سرانجام فلاحیان نوشت که بیخودی این موضوع و سوابق جنایات مشترک جناح راست و دو خردادیه را کش ندهد چرا که: "چون پرده در افتد نه تو مانی، نه من" و اما اینها باین ترتیب دارند تمرین رفتن میکنند، خودشان دارند به مردم میگویند که تمام مهرهای "حماسه" دو خرداد، در دورانهای خونین تولد نظامشان، در جریان نسل

کشیها و دست و پا بریدنهای کارهای بوده‌اند. همین چند روز پیش بود که بالاخره اجازه دادند یکی از پسرهای سحابی، بعد از وادار کردن پدرش به نوشتن نامه اعترافات، او را در استخر معروف "زعفرانیه" ملاقات کند. سحابی را تعدادی از بازجوهاش همراهی میکردند، در میان تعجب ساده لوحانه حواریون دوم خرداد مشخص شد که یکی از بازجوها و شکنجه‌گاه مرموزی که انگار خود مقامات امنیتی هم نمیدانند کدام ارگان و کجا دایر کرده است، سردبیر یکی از روزنامه‌های دو خردادی است! روزنامه‌های دو خردادی نوشتند این نحوه دادن ملاقات به سحابی با هدف توطئه علیه جناح "اصلاح‌طلب" رژیم بوده است!

بیچاره‌ها کارشان بجائی رسیده‌است که راه فراری برای خود باقی نگذاشته‌اند، هر دو دارند به زبان بی زبانی میگویند در فردای سرنوشتی‌شان باید بعنوان معماران رژیم جنایت و کشتار و شکنجه پای میز محاکمه بروند. و آن روز دور نیست. ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ ***

تظاهرات اعتراضی کارگران

در تهران و اصفهان

روز سه شنبه ۲۲ خرداد، ۱۲ ژوئن ۲۰۰۱، نزدیک به هزار کارگر کارخانه چیت ری از صبح در برابر مجلس اسلامی دست به تجمعی اعتراضی زدند. کارگران با شعار "مرگ بر بنیاد (مستضعفان)" خواهان پرداخت فوری دستمزدهای معوقه خود شدند. این اجتماع کارگران با هجوم نیروهای سروکوبگر جمهوری اسلامی روبرو شد. بنا به اخبار رسمی رژیم اسلامی، کارگران خشمگین بخشی از نرده‌های مقابل مجلس را از جا کنده و خیابان مقابل مجلس، خیابان خمینی، را مسدود کردند. حدود ساعت ۳ بعدازظهر کارگران شیفت بعدازظهر کارخانه چیت ری نیز به همکاران خود پیوستند و اعتراض کارگران همچنان در جریان بوده است.

در ماههای اخیر کارگران چیت ری بارها برای گرفتن دستمزدهای معوقه خود و مقابله با کابوس بیکاری در برابر مراکز دولتی جمهوری اسلامی در تهران و شهر ری دست به تجمعاتی زده اند. بنا به خبر دیگری

کارگران کارخانه بارش اصفهان نیز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها مجددا دست به اعتراض زدند.

کارگران بارش در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود جاده اصفهان - تهران را مسدود کردند. کارگران این کارخانه ۴ ماه است که حقوق های خود را دریافت نکرده اند و تا کنون چندین بار دست به اعتراض زده اند.

همچنین در ۱۲ خرداد (۲ ژوئن ۲۰۰۱) کارگران کارخانه کفش شادان پور برای چند ساعت جاده تهران کرج را مسدود کردند. و بعد از تحصن در خیابانهای تهران، در مقابل ساختمان مجلس اسلامی تجمع کردند. کارگران پلاکاردی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود که ما خواهان پرداخت حقوق های معوقه هستیم. کارگران کفش شادان پور ده ماه است که حقوق دریافت نکرده اند.

زنده باد اتحاد سراسری کارگران

اعتراض فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی به دیپورت هزاران پناهنده کرد عراق

انگلیس، در سه شهر لندن، نیو کاسل و بیرمنگام برای روز سوم ژوئیه در حمایت از پناهندگان کرد عراق، فراخوان به تظاهرات داده است.

۹ هزار پناهنده کرد عراق را به منطقه تحت سیطره طالبانی و بارزانی دیپورت کند. این اخراج شامل کسانی نیز میشود که سالها ساکن اجازه اقامت گرفته‌اند. واحد فدراسیون همبستگی در

دبیرخانه همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در مورد تصمیم دولتهای اروپایی برای اخراج هزاران پناهنده کرد عراق هشدار داده است. در یک مورد، پارلمان هلند تصمیم گرفته است به تدریج

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com www.iwsolidarity.com
www.wpiran.org www.medusa2000.com
www.rowzane.com www.marxsociety.com
www.hambastegi.org www.kvwpiran.org

کمیته کردستان

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)

email: r_hoseinzadeh@yahoo.com

Tel: 0046 739 855 837